

ترویجی

## متابولیسم جمعیتی و نقش آن در تحولات ساختار و بُعد خانوار در ایران

میلاد بگی<sup>۱</sup>

### چکیده:

متابولیسم جمعیتی یا فرآیند جایگزینی افراد که به واسطه آن نسل‌های جوان‌تر که دارای ارزش‌ها و هنجارهای جدید و مدرن هستند به مرور جایگزین نسل‌های مسن‌تر می‌شوند، می‌تواند منشأ تحولات عمده‌ای در ساختارهای خانواده و خانوار باشد. مطالعه حاضر به بررسی تغییرات و تفاوت‌های نسلی در ساختار و بُعد خانوار در ایران در طی دوره ۱۳۶۳-۱۳۹۸ پرداخته است. به این منظور داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوار طی چهار دهه گذشته مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که تفاوت‌های معناداری بین نسل‌های مختلف به لحاظ وضع سواد و سطح تحصیلات وجود دارد که این امر، میزان‌های ازدواج در نسل‌ها و کوهورت‌های مختلف را تحت تأثیر قرار داده است. تفاوت‌های نسلی در میانگین بُعد خانوار نیز چشمگیر است. شکل‌گیری خانوار توسط نسل‌های جوان‌تر در مقایسه با هم‌تایان‌شان در گذشته، با میانگین بُعد خانوار کمتری شروع می‌شود و همچنین بالاترین میانگین بُعد خانواری که نسل‌های مختلف به آن رسیده‌اند رو به کاهش گذاشته است. روندهای نسلی همچنین آشکار ساخت که تعداد خانوارهای تک‌نفره در بین نسل‌های جوان نسبتاً بالا است، در حالی که روندهای دوره‌ای این رقم را بسیار اندک نشان می‌دهد. نکته مهم اینکه فرآیند جایگزینی نسل‌ها می‌تواند روند تغییرات خانوار را تسریع کند. این یافته‌ها مشخص می‌سازد که تغییرات خانوار در ایران علاوه بر تحت تأثیر قرار گرفتن توسط وقایع دوره‌ای (همچون شرایط اقتصادی و اجتماعی)، از جایگزینی کوهورت‌ها نیز متأثر است. از این رو مطالعات طولی و تحلیل‌های نسلی می‌تواند شناخت جامع‌تری از تغییرات خانوار و خانواده در ایران برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فراهم کند.

**واژگان کلیدی:** ساختار خانوار، بُعد خانوار، خانواده، متابولیسم جمعیتی، کوهورت، ایران

### مقدمه:

در گذشته خانواده‌ها با ازدواج آغاز و با مرگ منحل می‌شدند، اما اکنون این الگو در بیشتر نقاط جهان تغییر کرده است و شاهد تنوع در ساختارهای خانوار جوامع هستیم. امروزه خانوارها کوچک‌تر شده‌اند و کاهش میانگین بُعد خانوار و تغییرات در ترتیبات زندگی یکی از مهمترین روندهای بلندمدت در جوامع مدرن به شمار می‌رود. این روند به تغییرات در ساختار خانواده منجر شده است که همراه با صنعتی‌شدن، به‌ویژه در انتقال از شکل خانواده گسترده به هسته‌ای مشاهده می‌شود (سانتی ۱۹۸۷).

از آنجا که ساختار خانواده منعکس‌کننده ویژگی‌های یک جامعه و زیرگروه‌های جمعیتی است که در آن قرار دارند، نیاز است تا تغییرات رخ داده به صورت مستمر رصد شوند. علاوه براین، خانواده ابزاری اساسی برای تداوم فرهنگ‌ها بوده و از عوامل اصلی جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها، نگرش‌ها، اهداف و آرزوهای جامعه به شمار می‌رود. با این حال، تفاوت‌های نسلی در یک جامعه می‌تواند تغییرات گسترده‌ای را با خود به همراه داشته باشد. امروزه با روندهای جهانی‌شدن و تغییرات پیوسته در جنبه‌های گوناگون زندگی سنتی و رشد نهادهای تازه مدنی، ارزش‌هایی متفاوت با هنجارها و باورهای سنتی در بین نسل‌های جدید و جوان‌تر ظهور کرده است که این امر بروز تفاوت‌ها در رفتارها، ارزش‌ها و نگرش‌های نسل‌های جدیدتر در رابطه با خانواده را در پی داشته است.

به اعتقاد صاحب‌نظران، پدیده تفاوت‌های نسلی تا زمان پیدایش جامعه صنعتی چندان جدی و مطرح نبوده است و به‌ویژه قبل از قرن بیستم، نشان آشکاری از این شکاف و تعارض، آن‌گونه که در زمان ما به صورت عصیان و رویارویی مداوم بین نسل‌های جوان و سالمند خودنمایی می‌کند، دیده نمی‌شود (توگل و قاضی‌نژاد ۱۳۸۵). در واقع تا سال ۱۹۶۰ در جوامع صنعتی پیشرفته، تصور عمومی بر آن بود که تغییرات اجتماعی، تحت تأثیر مرزبندی‌های نژادی و یا طبقات اجتماعی قرار دارد و بحران‌های اجتماعی لزوماً از این دو سطح منشأ می‌گیرد، اما سال‌های بعد از این دهه بود که نشان داد تضادهای اجتماعی می‌تواند از رویارویی نسل‌ها نیز ناشی شود (ساروخانی و صداقتی فرد ۱۳۸۸). در طول این دوره نوجوانان با مجموعه‌ای

از جنبش‌های جمعی، خود را به عنوان نیروهائی تاریخی به اثبات رساندند. به عنوان مثال لستهاق و سوروکین (۲۰۰۲) ظهور شکل‌های جدید سکونت و تغییرات خانوار را در دهه‌های بعد از ۱۹۶۰ به اندیشه‌های جوانان تحصیل‌کرده‌ای نسبت می‌دهد که در مقایسه با والدین خود نیازهای جدیدی را مطالبه می‌کنند. آنها ترتیبات جدید زندگی در کشورهای اروپایی را با افزایش جهت‌گیری‌های ارزشی فرامادی‌گرایی جوانان در ارتباط می‌دانند.

معمولاً جوامع در حال گذار و یا جوامعی که با تحولات سریع اجتماعی و تقابلات سیاسی-اجتماعی مواجه می‌گردند، بیشتر مستعد پدیداری شکاف در میان نسل‌های خود می‌گردند و این قاعده عام، در مورد کشور ایران که مصداق بارزی از يك جامعه در حال عبور از مظاهر سنت به اشکال مدرن است، مشهودتر به نظر می‌رسد (ساروخانی و صداقتی فرد ۱۳۸۸). در همین رابطه برخی محققان از پدیده شکاف نسلی در ایران صحبت کرده‌اند. مطالعات انجام شده در ایران طی دو دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ نشان می‌دهد هرچه به نسل‌های آخر دهه ۱۳۸۰ نزدیک‌تر شده‌ایم، گسست‌های ارزشی- فرهنگی در بین نسل جوان و نسل بزرگسال افزایش یافته است (آزاد ارمکی ۱۳۷۹، معیدفر ۱۳۸۳، تاجیک ۱۳۸۳، آزاد ارمکی و ملکی ۱۳۸۶). یکی از حوزه‌های بسیار مهم که در تفاوت‌های نسلی مورد توجه قرار می‌گیرد، خانواده و خانوار است. ساروخانی و صداقتی فرد (۱۳۸۸) معتقدند که فرزندان در قالب نسل سوم، در برابر والدینی که نسل اول و دوم را تشکیل می‌دهند، علیرغم حیات فرهنگی مشترک، نگرش، رفتار و عملکرد متفاوتی در موضوع خانواده دارند. نسل اول و دوم به لحاظ کارکردی بیشتر در تعامل بین نسلی ساماندهی شده‌اند، در حالیکه نسل سوم در جهت تفاوت و تعارض شکل گرفته است. این تعارض می‌تواند به بروز تغییراتی در ساختارهای خانواده و خانوار در ایران منجر شود. یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی تغییرات نسلی، تغییر در ساختار سنی جمعیت می‌باشد. به مرور زمان و با خروج افراد مسن از هرم سنی جمعیت و جایگزینی آنها با افراد جوان‌تر، جامعه با تغییر در افراد تشکیل دهنده آن روبرو می‌شود که این افراد جدید دارای ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای متفاوتی هستند زیرا که

در معرض حوادث و وقایع منحصر به فردی قرار می‌گیرند. این جابجایی افراد و جایگزینی کوهورت‌ها که در جمعیت‌شناسی متابولیسم جمعیتی خوانده می‌شود، می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای را برای ساختار خانواده در ایران داشته باشد و زمینه تغییرات اجتماعی را در جامعه فراهم کند.

نزدیک به دو دهه از مطالعات نسلی در ایران می‌گذرد و محققان در مورد تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با خانواده و خانوار صحبت کرده‌اند (قدرتی و همکاران ۱۳۹۲، ساروخانی و صداقتی فرد ۱۳۸۹، آزاد ارمکی ۱۳۸۶، دانش و همکاران ۱۳۹۳، عسکری ندوشن و همکاران ۱۳۸۸، زواره و همکاران ۱۳۹۶، اوجاقلو و همکاران ۱۳۹۳، صبوری خسروشاهی ۱۳۹۳). با این حال، بیشتر این مطالعات بر روابط درون خانواده و موضوعاتی مثل ازدواج، طلاق، آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی و ... پرداخته‌اند و معمولاً به صورت پیمایش‌های کوچک مقیاس انجام شده‌اند، اما تأثیر این تفاوت‌ها، تغییرات و جابجایی نسلی بر ساختارهای خانواده و خانوار مغفول مانده است. بر این اساس، مطالعه حاضر با نگاهی به تفاوت‌های نسلی در ویژگی‌های فردی همچون تحصیلات و ازدواج سعی دارد تا روندهای نسلی تغییرات خانواده و خانوار را در چهار دهه گذشته مورد بررسی قرار دهد و مشخص سازد که تغییرات در ساختار سنی جمعیت و به دنبال آن، جایگزینی نسل‌ها و کوهورت‌های مسن توسط نسل‌های جوان‌تر باعث ایجاد چه تغییرات و پیامدهایی در بُعد خانوار و ساختار خانواده شده است.

### ادبیات نظری

تغییرات خانوار در پاسخ به عوامل متعددی رخ می‌دهد و این امر سبب شده است تا دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متضادی نیز در این رابطه مطرح شوند. با این حال نظریه‌هایی که بر تغییرات اجتماعی متمرکز می‌شوند، معتقدند که فرهنگ، هنجارها و رفتار اجتماعی از طریق سه مکانیسم اصلی تغییر می‌کند: (۱) از طریق تغییرات رخ داده در افراد و (۲) از طریق جانشینی نسل‌ها (یا گروه‌ها) و (۳) تغییر و تحولات زمانی و دوره‌ای (تغییرات اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی).

تولد و مرگ دو واقعیت اساسی زندگی به شمار می‌روند. مردم متولد می‌شوند،

با حرکت در سنین مختلف و زمان‌های متفاوت، تجاری را کسب می‌کنند و سپس می‌میرند و توسط جمعیتی دیگر جایگزین می‌شوند. این فرآیند جایگزینی افراد تحت عناوین مختلف فرمول‌بندی شده است. ما نه‌ایم، از آن تحت عنوان جایگزینی نسلی یاد می‌کند. وی نسل را براساس موقعیت اجتماعی آنها تعریف می‌کند. به اعتقاد ما نه‌ایم، نسل اجتماعی با تغییر اجتماعی و سرعت آن مرتبط است. وی بیان می‌کند که تجارب دوره زندگی به ویژه در دوره اصلی جامعه‌پذیری نسل (به ویژه در دوران جوانی)، بر گرایش‌ها و رفتارهای آن تأثیری قاطع دارد (مانه‌ایم ۱۹۷۰). وی در مقاله مسئله نسل‌ها توصیف می‌کند که چگونه افراد واقع شده در یک نسل، در واقع زیر چتر ایدئولوژیک و آرمانی خاصی قرار می‌گیرند و از آن منظر، دنیا را به شیوه‌ای متفاوت از هم‌تایانشان در نسل‌های قبل تفسیر می‌کنند، تا آنجا که همین تجارب و آگاهی‌های منحصر به فرد و مشترک مربوط به یک نسل است که سبب ایجاد رفتارهای متفاوت شده و راه تغییر اجتماعی را باز می‌کند.

رایدر (۱۹۶۵) فرآیند جایگزینی افراد را با عنوان متابولیسم جمعیتی بیان می‌کند. موضوعی که بعدها توسط لوتز (۲۰۱۳) نیز مورد استفاده قرار گرفت. رایدر با ارائه تعریف کوهورت سعی کرد تا با دیدگاهی متفاوت با ما نه‌ایم به بررسی تغییر اجتماعی پردازد. از دید وی کوهورت عبارت است از «مجموع افرادی (در یک جمعیت مشخص) که در یک فاصله زمانی مشابه، یک رویداد را تجربه می‌کنند» (رایدر ۱۹۶۵). در این تعریف و بر خلاف نوشته‌های ما نه‌ایم، هیچ بحثی درباره مکان اجتماعی، پیوند اجتماعی و هیچ پاسخ هماهنگی به رویدادهای تاریخی وجود ندارد. بحث رایدر با تمرکز بر متابولیسم جمعیت و چرخه عمر افراد، به وابستگی متقابل بین تغییر اجتماعی و فرایندهای جمعیتی می‌پردازد. در واقع رایدر اولین کسی بود که به نقش جایگزینی کوهورت‌ها (که وی آن را متابولیسم جمعیتی نامید) به عنوان عاملی در تغییر اجتماعی پرداخت.

این دید نسبت به جامعه، با این تصور که ویژگی‌های افراد جدید فرصتی برای تغییر اجتماعی فراهم می‌کند، ترکیب شده است. در حالی که انعطاف‌پذیری افراد برای ایجاد تغییر در طول زندگی‌شان با عوامل بسیاری محدود می‌شود، اما حضور

مستمر افراد جدید (جوانان) در فرآیندهای اجتماعی و خروج مستمر پیشینیان آنها (سالمدان)، این محدودیت در انعطاف‌پذیری فردی را جبران می‌کند (لوتز ۲۰۱۳). اصطلاح متابولیسم جمعیتی بیانگر تغییر ماهیت یک جمعیت از طریق جایگزینی افرادی با ویژگی‌های خاص، توسط افرادی دیگر با ویژگی‌های دیگر است (لوتز ۲۰۱۳). این دیدگاه بیان می‌کند که فرآیندهای تغییر اجتماعی را می‌توان به صورت تحلیلی و از طریق مطالعه فرآیندهای جایگزینی کوهورت‌های مسن‌تر توسط کوهورت‌های جوان‌تر تبیین کرد.

دیدگاهی مشابه در سال ۲۰۰۶ و در رابطه با تبیین تغییرات خانوار توسط زنگ و همکارانش ارائه شده است. آنها در مطالعه‌ای به پیش‌بینی تغییرات خانوار در آینده پرداختند و نظریه «مومنتوم خانوارهای خانوادگی» را مطرح کردند. مومنتوم خانوار، مشابه مومنتوم جمعیتی شناخته‌شده کیفیتز (۱۹۷۱) است که براساس آن حجم جمعیت در زمانی که باروری مساوی یا حتی زیر سطح جانشینی است، نیز افزایش پیدا می‌کند. براساس دیدگاه زنگ و همکارانش (۲۰۰۶) حتی اگر روندهای جمعیتی حال حاضر هیچ‌گونه تغییری هم نداشته باشند، ساختار خانوار در آینده تغییر خواهد کرد، زیرا کوهورت‌های مسن‌تر که از الگوهای سنتی خانوار و خانواده پیروی می‌کنند، توسط کوهورت‌های جوان‌تر که دارای الگوهای خانوادگی امروزی هستند، جایگزین خواهند شد.

مفروضات مطرح شده در همه این دیدگاه‌ها بر این اساس استوار است که تغییرات نسلی و جایگزینی کوهورت‌ها در نهایت منجر به بروز تغییرات در ساختارها و نهادهای اجتماعی همچون خانواده و خانوار جوامع خواهد شد. با این حال بایستی توجه کرد که اگر چه این جایگزینی می‌تواند منبع تغییرات باشد، اما سرعت این تغییرات به مسائل دیگری همچون بافت فرهنگی جامعه نیز بستگی خواهد داشت.

اعتقاد ما بر این است که اگرچه در ایران خانواده تحت نظارت نهادهای فرهنگی، دینی و دولتی است که نسبت به بروز تغییرات شدید در آن واکنش نشان می‌دهند، اما تحولات رخ داده در جامعه همچون گسترش تحصیلات (به ویژه برای زنان)،

تغییر نقش‌های زنان در خانواده و جامعه، عدم اطمینان اقتصادی و بازار کار، تغییرات ارزشی و نگرشی در رابطه با ازدواج و طلاق در میان نسل‌های جوان‌تر و ... پیامدهایی را در رابطه با شیوه‌های سکونت در پی داشته است. انتظار ما بر این است که ساختار خانوار در ایران در اثر فرآیند جایگزینی نسلی با تغییراتی روبرو شده است، هرچند به دلیل مقاومت نهادهای مذهبی در مقابله با تغییر، توانسته است تا به امروز تا حدودی شاکله اصلی خود را حفظ کند.

### روش

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع تحلیل ثانویه می‌باشد. جامعه آماری، کل کشور را شامل می‌شود. داده‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر از طرح هزینه و درآمد خانوار که مرکز آمار ایران مجری آن است، گرفته شد. این داده‌ها از سال ۱۳۴۲ برای خانوارهای روستایی و از سال ۱۳۴۷ برای خانوارهای شهری در کل کشور به صورت سالانه گردآوری شده‌اند. با توجه به اینکه داده‌های خام این طرح تنها از سال ۱۳۶۳ به بعد در دسترس هستند، تحلیل‌ها بر روی دوره زمانی ۱۳۶۳-۱۳۹۸ (۳۶ سال) متمرکز شد. دقت و کیفیت داده‌ها مورد بررسی محققان مختلف (بگی ۱۳۹۷، شیری ۱۳۹۴، آقایاری هیر ۱۳۸۹) قرار گرفته و تأیید شده است. طرح مذکور اطلاعاتی را در چهار بخش عمده خانوارها فراهم کرده است که ما از داده‌های بخش اول استفاده کردیم که شامل خصوصیات اجتماعی اعضاء خانوار می‌شود از جمله: تعداد اعضای خانوار، بستگی با سرپرست خانوار، جنس، وضع سواد، سطح تحصیلات، نوع شغل، وضع فعالیت و وضع زناشویی اعضای خانوار. بر این اساس، اطلاعات ۹۸۱۸۵۴ خانوار که در مجموع ۶,۳۲۶,۹۱۳ نفر را در خود جای داده بودند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. وزن داده‌ها برای انجام تحلیل‌ها در همه سال‌ها اعمال شده است.

نوع خانوار و خانواده براساس ارتباط اعضای خانوار با سرپرست خانوار ساخته شده است و برای این منظور، سیستم طبقه‌بندی توصیه‌شده توسط سازمان ملل متحد در پایگاه داده‌ای IPUMS مورد استفاده قرار گرفت. به این ترتیب هشت

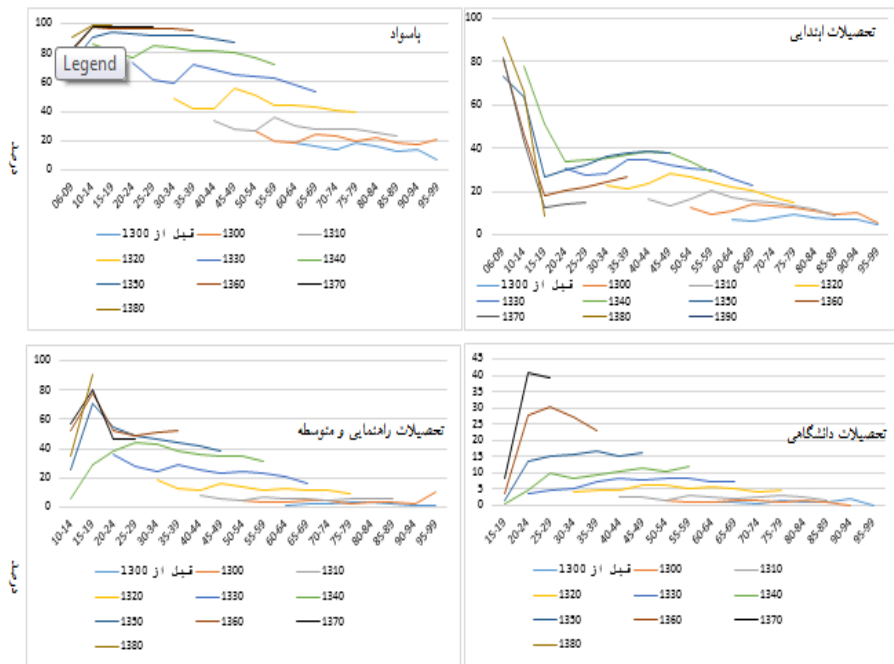
مورد از انواع خانوارها در ایران شناسایی شد که عبارتند از: خانوار تک‌نفره، خانوار زوجین بدون فرزند، خانوار زوجین به همراه حداقل یک فرزند ازدواج نکرده (خانواده هسته‌ای)، خانوارهای تک‌والد (شامل پدروالد یا مادروالد)، خانوارهای گسترده، خانوار ترکیبی، خانوار چندم‌سری و خانوارهای غیرخانوادگی. با توجه به اینکه پنج مورد اول، اکثریت مطلق خانوارها را در ایران تشکیل داده‌اند، مطالعه حاضر تنها بر تغییرات نسلی این خانوارها متمرکز شده است. بُعد خانوار بر تعداد افراد حاضر در خانوار که تحت سرپرستی یک نفر به عنوان سرپرست قرار دارند، دلالت دارد. در پژوهش حاضر نیز بُعد خانوار از مجموع تعداد افراد حاضر در خانوار با یک سرپرست مشخص به دست آمد. برای مشخص کردن تغییرات نسلی، افراد براساس کوهورت‌های تولد ۱۰ ساله دسته‌بندی شدند.

## یافته‌ها

### تغییرات نسلی در ویژگی‌های جمعیت

نسل‌های جوان‌تر دارای ویژگی‌های متفاوتی نسبت به پیشینیان خود هستند و از این رو رفتارها و پاسخ‌های آن‌ها نیز به موضوعات مختلف، متفاوت خواهد بود. یکی از این تفاوت‌های نسلی تأثیرگذار در جامعه، وضع سواد و سطح تحصیلات است که برای کوهورت‌های مورد مطالعه در شکل ۱ نشان داده شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، کوهورت‌های جوان‌تر دارای وضعیّت بسیار بهتری می‌باشند و هر چه به سمت کوهورت‌های جوان‌تر حرکت می‌کنیم، میزان باسوادی بیشتر است. به عنوان مثال ۸۱/۴ درصد افراد ۱۹-۱۵ ساله در کوهورت متولد ۱۳۴۰ باسواد بوده‌اند، درحالی‌که این رقم برای جوان‌ترین کوهورت سنی ۹۸/۶ درصد بوده است. به همین ترتیب درحالی‌که کمتر از نیمی از افراد ۳۹-۳۵ ساله متولد دهه ۱۳۲۰ باسواد بوده‌اند (۴۲/۴ درصد)، شاهد هستیم که در افراد ۳۹-۳۵ ساله متولد ۱۳۶۰ به ۹۵/۶ درصد افزایش یافته است. مشاهده روندهای موجود هم برای باسوادان نشان می‌دهد که سه کوهورت آغازین و سه کوهورت پایانی بسیار به هم شبیه هستند و شکاف موجود بین نسل‌ها در کوهورت‌های

میانی است که آغاز شده و اتفاق افتاده است. تفاوت‌های نسلی در رابطه با سطوح مختلف تحصیلی نیز کاملاً مشهود است. در رابطه با تحصیلات ابتدایی شاهد هستیم که تعداد افراد یا تحصیلات ابتدایی در همه سنین در نسل‌های جوان‌تر بیشتر است، با این حال این تفاوت‌ها در مقایسه با تحصیلات متوسطه و دانشگاهی کمتر است. دو نمودار پایین تفاوت‌های کوهورت‌های مختلف به لحاظ سطح تحصیلات متوسطه و دانشگاهی را نشان می‌دهد. در هر دو مورد مشخص است که در همه گروه‌های سنی، کوهورت‌های جوان‌تر تحصیلات بالاتری داشته‌اند. برای مثال ۲۹/۱ درصد افراد کوهورت ۱۳۴۰ دارای تحصیلات راهنمایی و متوسطه بوده‌اند، در حالی که ۹۱/۲ درصد افراد در جوان‌ترین کوهورت چنین تجربه‌ای داشته‌اند. یا در حالی که تنها ۴/۷ درصد افراد ۲۵-۲۹ ساله در کوهورت متولد ۱۳۳۰ دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند، این رقم برای افراد هم‌سن در کوهورت ۱۳۷۰ برابر با ۳۹/۳ درصد است. نکته دیگری که در این رابطه می‌توان به آن اشاره کرد، آن است که در تحصیلات راهنمایی و متوسطه اگرچه تفاوت‌ها آشکار است، اما فاصله کوهورت‌ها نه خیلی زیاد و با افزایش ملایمی همراه بوده است، در حالی که در تحصیلات دانشگاهی همان‌طور که شاهد هستیم، سه کوهورت جوان‌تر فاصله زیادی با کوهورت‌های قبلی پیدا کرده‌اند، که نشان از استقبال گسترده نسل‌های جوان‌تر از تحصیلات عالی دارد. یکی از پیامدهای ادامه تحصیل به‌ویژه در مقطع دانشگاهی در ایران این است که افراد کوهورت‌های جوان‌تر، ازدواج خود را تا زمان اتمام تحصیل به تأخیر می‌اندازند که این امر منجر به پیامدهایی در رابطه با تغییرات در ساختارهای خانواده و خانوار خواهد شد. یافته‌ها حاکی از آن است که تغییرات در میزان‌های ازدواج هم در میان نسل‌ها و هم در میان دوره‌ها رخ داده است. این موضوع را می‌توان با بررسی درصد افراد ازدواج‌کرده در میان کوهورت‌های مختلف و مقایسه آنان مشاهده کرد (جدول ۱).



شکل ۱. تفاوت‌های نسلی در وضع سواد و سطح تحصیلات بر حسب سن و کوهورت‌های تولد

در جدول ۱، تفاوت‌های نسلی میزان ازدواج نمایش داده شده است. مهمترین نکته‌ای که از این جدول می‌توان برداشت کرد بالا بودن عمومیت ازدواج است، هرچند اندکی کاهش در میزان‌های آن در نسل‌های جوان‌تر قابل مشاهده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بیش از ۹۹ درصد افراد کوهورت ۱۳۱۰ تا قبل از رسیدن به سن مجرد قطعی (۵۰ سالگی) حداقل یک‌بار ازدواج کرده‌اند در حالی که برای کوهورت متولد ۱۳۵۰ این رقم به ۹۵ درصد رسیده است. تأخیر در ازدواج نیز برای کوهورت‌های جوان‌تر کاملاً مشهود است. به عنوان مثال ۱۸/۹ درصد ۱۵-۱۹ ساله‌ها در کوهورت ۱۳۴۰ حداقل یک بار تجربه ازدواج داشته‌اند، در حالی که برای متولدین دهه ۱۳۸۰ این رقم تنها ۳/۷ درصد است. یا اینکه حدود ۷۰ درصد

افراد کوهورت ۱۳۳۰ تا سن ۲۴ سالگی، حداقل یکبار ازدواج کرده بودند، ولی برای متولدین دهه ۱۳۷۰ به ۲۶ درصد کاهش یافته است.

جدول ۱. درصد افراد حداقل یکبار ازدواج کرده برحسب کوهورت تولد و گروه‌های سنی

گروه سنی	کوهورت تولد							
	۱۳۱۰	۱۳۲۰	۱۳۳۰	۱۳۴۰	۱۳۵۰	۱۳۶۰	۱۳۷۰	۱۳۸۰
۱۵-۱۹				۱۸/۹	۹/۱	۶/۵	۷/۵	۳/۷
۲۰-۲۴			۶۹/۳	۵۴/۴	۳۷/۵	۲۹/۹	۲۶/۳	
۲۵-۲۹			۸۵/۶	۷۶/۸	۶۸/۳	۵۵/۴	۶۴/۴	
۳۰-۳۴		۹۵/۸	۹۵/۲	۹۱/۷	۸۴/۴	۷۴/۲		
۳۵-۳۹		۹۸/۰	۹۷/۳	۹۵/۹	۹۰/۴	۸۵/۰		
۴۰-۴۴	۹۸/۶	۹۸/۷	۹۸/۴	۹۶/۷	۹۳/۹			
۴۵-۴۹	۹۹/۲	۹۸/۸	۹۸/۸	۹۷/۳	۹۵/۵			

### تغییرات در ساختارهای نسلی خانوار

موضوع مهمی که در رابطه با تغییرات ساختار سنی و تأثیر آن بر ساختار خانواده و خانوار مطرح شده است، ساختار نسلی خانوار است. بررسی‌ها در ایران نشان می‌دهد که در طول زمان بر تعداد خانوارهای یک نسلی افزوده شده است، به طوری که از ۱۳/۷ درصد در سال ۱۳۶۳ به ۲۱/۲ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. بیشترین افزایش در خانوارهای یک‌نسلی مربوط به خانوارهای زوجین بدون فرزند است. یافته‌های بیشتر در این زمینه نشان داد که بخش عمده آن به دلیل ترک خانه والدین توسط جوانان پس از ازدواج است و بیشتر این خانوارها را زوجین بالای ۵۰ سال تشکیل داده‌اند. بخش اندکی از این افزایش نیز به دلیل تأخیر در فرزندآوری جوانانی است که تازه ازدواج کرده و هنوز فرزندان خود را به دنیا نیاورده‌اند.

خانوارهای دو نسلی در تمامی طول دوره اکثریت مطلق را به خود اختصاص داده‌اند، هرچند در دهه ۱۳۹۰ در مقایسه با دهه ۱۳۸۰، مقداری کاهش را تجربه کرده

است. در رابطه با تغییرات سهم این خانوارها بایستی به افزایش خانوارهای تک‌والد اشاره کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین افزایش در خانوارهای تک‌والد، مربوط به والدین مطلقه بوده است و در طول دوره والدین بیوه افزایش چندانی نداشته است. نکته مهمتر این است که خانوارهای سه‌نسلی با کاهش چشمگیری روبرو بوده‌اند و درحالی‌که در ابتدای دوره ۱۵/۵ درصد خانوارهای ایرانی را شامل می‌شده است، اما در انتهای دوره تنها ۵/۴ درصد از آنها باقی‌مانده است (جدول ۲).

جدول ۲. توزیع نسبی خانوارهای ایرانی براساس ساختار نسلی خانوار ۱۳۹۵-۱۳۶۳

نوع	ترکیب خانوار	۱۳۶۳	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
یک نسلی	تک‌نفره	۵/۱	۴/۱	۵/۰	۴/۲	۴/۵	۴/۵	۶/۶	۷/۰
	زوجین بدون فرزند	۷/۳	۸/۵	۷/۴	۸/۲	۹/۳	۱۰/۳	۱۱/۱	۱۳/۶
	خواهر(ان) و برادر(ان)	۰/۵	۰/۳	۰/۳	۰/۲	۰/۳	۰/۴	۰/۳	۰/۳
	سایر خانوارهای یک نسلی	۰/۸	۰/۵	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۵	۰/۵	۰/۳
	مجموع	۱۳/۷	۱۳/۴	۱۳/۱	۱۳/۰	۱۴/۵	۱۵/۷	۱۸/۵	۲۱/۲
دو نسلی	زوجین به همراه حداقل یک فرزند ازدواج نکرده (هسته‌ای)	۶۱/۷	۶۱/۷	۶۳/۹	۶۸/۸	۶۷/۷	۶۷/۹	۶۵/۳	۶۴/۶
	تک‌والد همراه فرزند ازدواج نکرده	۵/۹	۵/۶	۶/۴	۵/۶	۶/۵	۷/۱	۸/۱	۸/۲
	مادر/پدر بزرگ و نوه(ها)	۰/۲	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۲	۰/۱	۰/۲	۰/۱
	زوجین به همراه نوه(ها)	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۲	۰/۱	۰/۲	۰/۱	۰/۱
	سایر خانوارهای دو نسلی	۲/۷	۲/۷	۱/۴	۱/۴	۱/۲	۰/۹	۰/۷	۰/۴
	مجموع	۷۰/۸	۷۰/۴	۷۲/۱	۷۶/۱	۷۵/۷	۷۶/۲	۷۴/۴	۷۳/۴
سه نسلی	خانوارهای سه نسلی (خانواده)	۱۴/۴	۱۴/۸	۱۳/۸	۱۰/۱	۹/۳	۷/۸	۶/۸	۵/۲
	خانوارهای سه نسلی (ترکیبی)	۱/۱	۱/۴	۱/۰	۰/۸	۰/۵	۰/۳	۰/۳	۰/۲
	مجموع	۱۵/۵	۱۶/۲	۱۴/۸	۱۰/۹	۹/۸	۸/۱	۷/۱	۵/۴

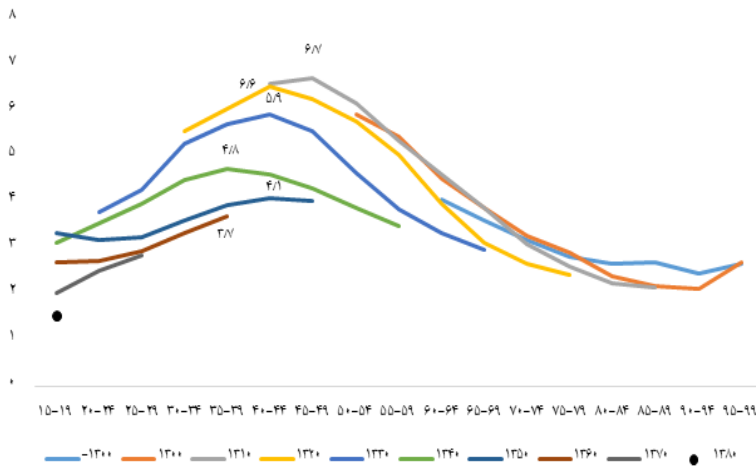
### تفاوت‌های نسلی در ساختار و بُعد خانوار

در شکل ۲، تفاوت‌های موجود در بُعد خانوار در بین کوهورت‌های متولدین دهه‌های مختلف نشان داده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که کوهورت‌ها معمولاً در دهه چهارم زندگی خود به بالاترین میانگین بُعد خانوار خود دست خواهند یافت. بر همین اساس، بیشترین بُعد خانوار ثبت شده متعلق به کوهورت ۱۳۱۰ می‌باشد که در نیمه دوم دهه چهارم زندگی خود به آن رسیده‌اند (۶/۷۱ نفر). چنانچه بُعد خانوار کوهورت‌های بعدی را در سن ۴۵-۴۹ سالگی آنها در نظر بگیریم، متوجه خواهیم شد که در همه آنها تعداد کمتری از افراد در خانوارها ساکن بوده‌اند. این ارقام برای کوهورت ۱۳۲۰ تعداد ۶/۲۶ نفر، برای کوهورت ۱۳۳۰ تعداد ۵/۶ نفر و برای کوهورت‌های بعدی نیز کمتر از این مقدار بوده است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که حداکثر بُعد خانواری که کوهورت‌ها به آن دست خواهند یافت، به سنین پایین‌تر منتقل شده است.

به طور طبیعی، میانگین بُعد خانوار در کوهورت‌های مسن‌تر در مقایسه با کوهورت‌های میانی پایین‌تر است، زیرا در سنین بالا، معمولاً سالمندان به تنهایی و یا به همراه همسرانشان زندگی می‌کنند و فرزندان آنها در خانوارهایی جدا ساکن هستند. با این حال همان‌گونه که در نمودار نیز مشاهده می‌شود، در سنین بالای ۸۰ سال، کوهورت متولدین قبل از ۱۳۰۰ دارای بُعد خانوار بزرگ‌تری نسبت به دیگر کوهورت‌های مسن می‌باشد که دلیل این امر می‌تواند سکونت بیشتر این افراد در خانوارهای گسترده باشد، زیرا به دلیل کهولت سن نمی‌توانند در خانوارهای جدا ساکن شوند.

در ایران، افراد معمولاً بعد از ازدواج و پس از سن ۱۵ سالگی، سرپرستی خانوار را بر عهده می‌گیرند. نتایج نشان می‌دهد هرچه به کوهورت‌های جوان‌تر حرکت می‌کنیم، میانگین بُعد خانوار در آغاز دوره سرپرستی نیز کمتر است. برای مثال میانگین بُعد خانوار افراد ۱۵-۱۹ ساله متولدین کوهورت ۱۳۵۰، ۳/۴ نفر بوده است، در حالی‌که برای کوهورت‌های ۶۰، ۷۰ و ۸۰ به ترتیب ۲/۷، ۲/۵ و ۱/۶ نفر بوده است. این موضوع در مورد سایر گروه‌های سنی جوان‌تر نیز مشاهده می‌شود.

میانگین بعد خانوار در گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله در کوهورت ۱۳۳۰ برابر با ۴/۳ نفر است، در حالی که در کوهورت ۱۳۷۰ به ۲/۹ نفر کاهش یافته است. یکی از دلایل اصلی این موضوع می‌تواند این نکته باشد که در گذشته افراد پس از ازدواج در خانه والدین باقی می‌ماندند و سرپرستی خانوار را به جای والدین خود بر عهده می‌گرفتند که سبب می‌شد خانوارهای بزرگتری داشته باشند، حال آنکه در نسل‌های جوان‌تر، دیگر جوانان پس از ازدواج در خانه والدین ساکن نخواهند شد و خانوارهای جداگانه‌ای تشکیل می‌دهند که در نتیجه بُعد خانوار نیز کوچکتر خواهد شد. همچنین خانوارهای تک‌نفره در سنین پایین در نسل‌های کوچکتر بیشتر شایع است.



شکل ۲. میانگین بُعد خانوار برحسب کوهورت تولد و گروه‌های سنی سرپرستان خانوار

همان‌گونه که در بخش‌های قبلی نیز بیان شد، پنج نوع اصلی و غالب خانوارها در ایران عبارت‌اند از: خانوارهای تک‌نفره، خانوارهای زوجین بدون فرزند، خانوارهای هسته‌ای، خانوارهای گسترده و خانوارهای تک‌والد. در ادامه به بررسی تفاوت‌های هر یک از این خانوارها در میان نسل‌های مختلف خواهیم پرداخت. این تفاوت‌ها

در شکل شماره ۴، نمایش داده شده است.

به طور معمول در بیشتر نقاط جهان، درصد خانوارهای تک‌نفره در میان افراد گروه‌های سنی جوان و مسن بیشتر است، هرچند در سنین میانی نیز از فراوانی نسبی برخوردار هستند. در ایران نیز همچنان که مشاهده می‌شود، درصد این نوع از خانوارها در کوهورت‌های مسن و جوان بالاست، ولی در کوهورت‌های میانی این آمارها بسیار اندک است (شکل ۴). نکته مهم این است که در سنین میانی تفاوتی بین نسل‌های مختلف مشاهده نمی‌شود و درصد خانوارهای تک‌نفره در سنین ۳۰ تا ۵۰ سالگی برای همه نسل‌ها نزدیک به یک تا دو درصد است. با حرکت به سنین بالاتر، تعداد خانوارهای تک‌نفره نیز افزایش می‌یابد و کوهورت‌های جدیدتر مقادیر بالاتری را در مقایسه با کوهورت‌های قدیمی‌تر به ثبت رسانده‌اند. دلیل این امر این است که کوهورت‌های خیلی مسن‌تر یا به دلیل کهولت سن یا به دلایل داشتن فرهنگ سنتی‌تر در خانواده‌های بزرگتری ساکن هستند. در حالی که برای نسل‌های جدیدتر، دیگر سالمندان با فرزندان خود در مسکن مشترک زندگی نمی‌کنند.

در رابطه با کوهورت‌های جوان‌تر همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تعداد بالایی از خانوارهای آنان از نوع تک‌نفره می‌باشد و در نسل‌های جدیدتر با افزایش نیز همراه بوده است. به طوری که سهم این خانوارها در اولین گروه سنی برای متولدین کوهورت ۱۳۴۰ حدود ۱۱ درصد بوده است، حال آنکه در جوان‌ترین کوهورت تولد به ۵۳/۹ درصد افزایش یافته است. این افزایش تا سن ۳۰ سالگی در همه کوهورت‌ها مشاهده می‌شود، هرچند در مقایسه با گروه سنی اول ارقام پایین‌تری ثبت شده‌اند. نتایج به دست آمده حاکی از این واقعیت است که بررسی روندهای نسلی خانوارهای تک‌نفره در ایران نتایج کاملاً متفاوتی با روندهای دوره‌ای نشان می‌دهد. در بررسی‌های دوره‌ای می‌توان مشاهده کرد که درصد خانوارهای تک‌نفره در سنین زیر ۳۰ سال در همه دوره‌ها کمتر از ۵ درصد است، درحالی‌که روندهای نسلی نشان می‌دهد که در کوهورت‌های جوان‌تر تعداد این خانوارها در سنین پایین، ارقام بسیار بالایی را ثبت کرده‌اند.

تغییرات دوره‌ای ساختار خانوار در ایران در طی چهار دهه گذشته نشان می‌دهد که در طول زمان، سهم خانوارهای زوجین بدون فرزند رو به افزایش بوده است. در شکل ۳، تغییرات این نوع از خانوارها در میان کورهورت‌های مختلف نمایش داده شده است. همچون خانوارهای تک‌نفره این خانوارها نیز در میان افراد مسن و جوان‌تر بیشتر است. درصد این خانوارها در کورهورت متولدین قبل از ۱۳۰۰ به بالاترین میزان‌های خود رسیده است. این روندها برای دیگر کورهورت‌های مسن نیز در گروه‌های سنی بالا رو به افزایش گذاشته است. این افزایش در سنین پایین و برای کورهورت‌های جوان‌تر (کورهورت ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰) نیز قابل مشاهده است، زیرا زوجین امروزی معمولاً فرزندآوری خود را تا دهه سوم زندگی با تأخیر می‌اندازند و این امر سبب شده است تا وقوع شکاف بین نسل‌ها در سنین پایین، افزایش یابد. برای مثال ۱۰ درصد افراد ۲۴-۲۰ ساله در کورهورت ۱۳۳۰ از نوع زوجین بدون فرزند بوده است، در حالی که این رقم در کورهورت ۱۳۷۰ به ۲۹ درصد افزایش یافته است. این ارقام برای گروه سنی ۲۹-۲۵ سال، در سال ۱۳۳۰ تنها ۷/۰ درصد است، حال آنکه برای کورهورت ۱۳۷۰ برابر با ۲۵ درصد است.

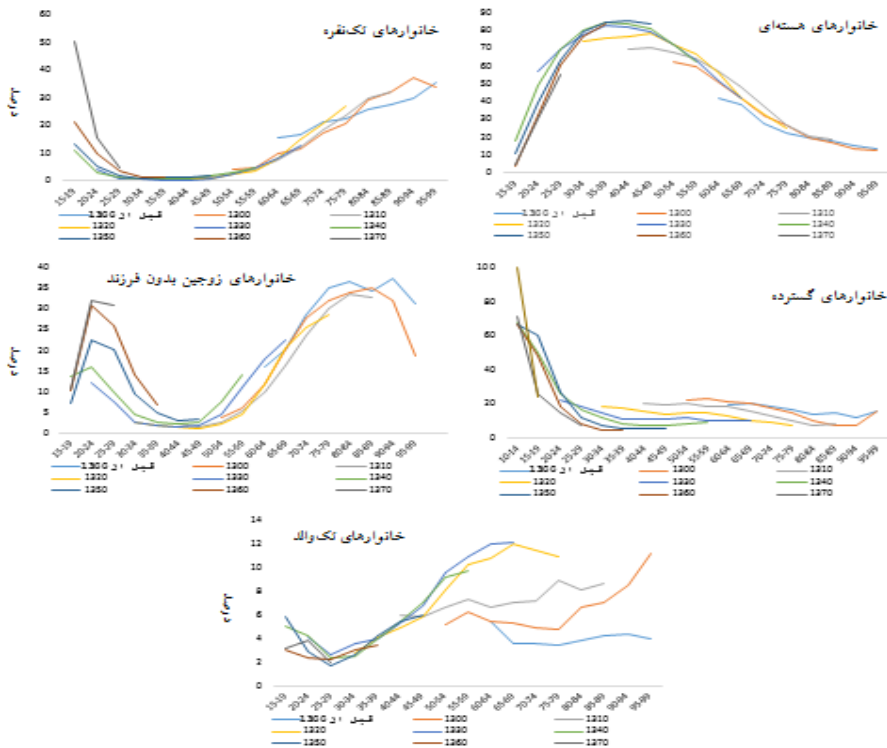
از ویژگی‌های اصلی ساختار خانوار در ایران در تمامی دوره‌های مورد مطالعه، بالا بودن تعداد خانوارهای هسته‌ای می‌باشد. این موضوع را می‌توان در بررسی روندهای نسلی نیز مشاهده کرد؛ جایی که درصد این خانوارها در همه کورهورت‌ها ارقام بالایی را به ثبت رسانده است (شکل ۳). نکته مهمی که در بررسی روندهای نسلی خانوارهای هسته‌ای می‌توان به آن اشاره کرد، این است که کورهورت‌های جوان‌تر، به نقطه اوج یا میزان‌های بالاتری از این نوع خانوارها رسیده‌اند. اگر کورهورت‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ را بررسی کنیم، متوجه خواهیم شد که همه آنها در دهه چهارم زندگی خود به بالاترین میزان خانوارهای هسته‌ای دست پیدا کرده‌اند، با این حال این نقطه اوج برای کورهورت ۱۳۱۰ نزدیک به ۷۰/۴ درصد بوده است، ولی برای کورهورت‌های ۱۳۲۰، ۱۳۳۰، ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ به ترتیب به ۷۷/۷، ۸۱/۷ و ۸۳/۹ و ۸۴/۹ درصد افزایش یافته است. دلایل این افزایش را می‌توان موضوعاتی همچون ادامه تحصیلات فرزندان در مقاطع بالاتر، تأخیر در ازدواج و در نتیجه باقی

ماندن آنان تا زمان طولانی‌تر در خانه والدین در مقایسه با گذشته در نظر گرفت. برای کوهورت ۱۳۶۰ نیز مشاهده می‌شود که درصد خانوارهای هسته‌ای در پایان دهه سوم زندگی‌شان به رقم ۸۳/۵ درصد رسیده است، که در مقایسه با سن مشابه در کوهورت‌های مسن‌تر، رقم بالاتری است.

خانوارهای گسترده شرایط تقریباً متفاوتی دارند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، برخلاف بقیه انواع خانوار، تعداد آن‌ها در همه کوهورت‌ها رو به کاهش است. با این حال موضوع متفاوت، درصدهای بسیار بالایی است که برای کوهورت‌های جوان‌تر (کوهورت ۱۳۵۰ و پس از آن) و در سنین پایین به ثبت رسیده است. در واقع نسل‌های جوان در اوّلین تجربه‌های سرپرستی خود، خانوارهای گسترده را سرپرستی کرده‌اند، که البته دلیل آن این است که این افراد معمولاً به همراه والدین سالمند خود زندگی می‌کنند و به دلیل ناتوانی آنها، وظیفه سرپرستی خانوار را برعهده گرفته‌اند. در ادامه به دلیل ازدواج و خروج از خانه والدین، درصد خانوارهای گسترده در میان آنان رو به کاهش می‌گذارد. کاهش این نوع از خانوارها در میان نسل‌های مسن‌تر نیز به دلیل جدایی فرزندان و تشکیل خانوارهای جدید اتفاق می‌افتد.

آخرین نوع از خانوارهای مورد بحث، خانوارهای تک‌والد هستند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در سنین زیر ۳۰ و بالای ۵۰ سال، کوهورت‌های جوان‌تر دارای میزان‌های بالاتری از این نوع خانوار هستند. بالا بودن سهم این خانوارها در کوهورت‌های مسن معمولاً تحت تأثیر عامل مرگ‌ومیر و افزایش امیدزندگی قرار دارد. به این صورت که به دلیل نابرابری در میزان‌های امید زندگی زنان و مردان، معمولاً یکی از زوجین فوت کرده و دیگری با فرزندانش زندگی می‌کند. در میان نسل‌های جوان‌تر اما به دلیل بالاتر بودن میزان‌های طلاق در بین جوانان است.

شکل ۳. تفاوت‌های نسلی ساختار خانوار بر حسب سن و کوهورت تولد سرپرست خانوار



### بحث و نتیجه‌گیری

اهمیت و توجه به کوهورت‌ها و تفاوت‌های نسلی در بررسی فرآیندهای تغییرات اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد. این امر در رابطه با خانواده که نهاد اصلی در جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها به نسل‌های جوان‌تر شناخته می‌شود، از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است. بر همین اساس مطالعه حاضر به بررسی تغییرات در ساختار و بُعد خانوار در ایران و نقش تفاوت‌های نسلی در این تغییرات پرداخت. ساختار سنی ایران در چند دهه گذشته یک ساختار کاملاً جوان بوده است. کاهش میزان‌های باروری از یک طرف و افزایش امید زندگی از سوی دیگر در چند دهه گذشته سبب شده است، تا ساختار سنی ایران تا سال ۱۳۹۵ به یک ساختار

میانسال تغییر کند. پیش‌بینی‌های سازمان ملل (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که تا سال ۱۴۳۰ جمعیت ایران به یک جمعیت سالخورده تبدیل خواهد شد. صرف نظر از این تغییر اساسی در ساختار سنی جمعیت، نکته مهم ویژگی‌های این جمعیت است. در دهه ۱۳۵۰ درصد بالایی از جمعیت را افراد بی‌سواد تشکیل می‌دادند. افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در اقلیت بودند و تنها درصد اندکی از مردان و زنان وارد دانشگاه می‌شدند. حال آنکه پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که تا سال ۱۴۳۰ بیشتر جمعیت دارای تحصیلات متوسطه و دانشگاهی خواهند بود و عده اندکی از افراد بی‌سواد یا دارای تحصیلات ابتدایی خواهند بود که اکثریت آنها نیز افراد سالمند هستند (لوتز و همکاران ۲۰۱۸).

همراه با این تغییرات مهم در ویژگی‌های جمعیت و خروج نسل‌های مسن‌تر از جمعیت، انتظار می‌رود تا ارزش‌ها و نگرش‌ها در رابطه با خانواده و خانوار نیز دچار تغییر شود. زیرا که نسل‌های جوان‌تر دارای دیدگاه‌های متفاوت‌تری هستند. نسل‌های جوان امروزی در مقایسه با نسل‌های پیشین نسبت به مسائل حساس‌ترند، آنها ارزش‌ها را به سنت ربط نمی‌دهند یا شکل‌های سنتی اقتدار را به مثابه عامل تعیین‌کننده هنجارهای شیوه زندگی نمی‌پذیرند و این امر منجر به بروز رفتارهای جدید در میان آنان می‌شود. البته می‌توان ادعا کرد که تفاوت میان نسل‌ها امری طبیعی است که به دنبال تغییرات و دگرگونی‌های ساختاری در جامعه نمود پیدا می‌کند. در ایران نسل‌های جدیدتر در مقایسه با گذشتگان خود از وضع سواد و سطح تحصیلات بهتری برخوردارند. تفاوت‌های نسلی در رابطه با تحصیلات دانشگاهی نشان می‌دهد که کوهورت‌های جوان‌تر سال‌های بیشتری را صرف تحصیل می‌کنند. همین موضوع می‌تواند پیامدهای بسیاری را در ابعاد مختلف زندگی آنان در پی داشته باشد. هدف اصلی جوانان در ورود به دانشگاه، یافتن شغلی مناسب است. امروزه داشتن شغل یکی از پیش‌شرط‌های اصلی ازدواج به شمار می‌رود و افراد سعی دارند تا پیش از ورود به زندگی مشترک، موقعیت خود را در بازار کار تثبیت کنند. با این حال به نظر نمی‌رسد وضعیت شغلی نسل‌های جوان‌تر در مقایسه با نسل‌های پیشین از وضعیت بهتری برخوردار باشد. میزان‌های بیکاری جوانان در کشور در سطح بالایی است و در سال ۱۳۹۰ حدود ۲۵/۳ درصد (عباسی‌شوازی و صادقی ۱۳۹۲) و در سال ۱۳۹۵ به ۳۰ درصد رسیده است (علیپور و

همکاران (۱۳۹۷). از طرفی مطالعات نشان داده است که بعد از اتمام تحصیلات نیز به طور میانگین ۳ سال طول می‌کشد تا یک جوان با تحصیلات دانشگاهی بتواند وارد بازار کار شود (صادقی ۱۳۹۵).

راه‌حل انتخابی جوانان امروزی در مقابله با هزینه‌های زندگی مشترک، به تأخیر انداختن ازدواج است که این امر گذار آن‌ها به دوره بزرگسالی و تشکیل خانوارهای مستقل را به تأخیر می‌اندازد. تفاوت‌های نسلی ازدواج به روشنی نشان داد که کوهورت‌های جوان‌تر در مقایسه با کوهورت‌های مسن‌تر در سنین بسیار بالاتری ازدواج می‌کنند. آمارها نیز نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج در سال ۱۳۹۵ برای پسران به ۲۷ و برای زنان به ۲۳ سال رسیده است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۷) و بنابراین فرزندان به طور میانگین تا حدود ۲۵ سالگی همچنان در خانه والدین ساکن هستند.

بخشی از این تأثیرات را می‌توان در تغییرات ساختار و بُعد خانوار مشاهده کرد. با مقایسه روندهای نسلی میانگین بُعد خانوار می‌توان به دو نکته اشاره کرد. نخست اینکه نسل‌های جوان‌تر با میانگین بُعد خانوار کمتری شروع می‌کنند و همچنین در طول زمان، بالاترین رقمی که نسل‌های مختلف به آن رسیده‌اند، رو به کاهش گذاشته است. موضوع نخست می‌تواند به این دلیل باشد که دیگر همانند گذشته افراد جوان پس از ازدواج، دیگر در خانه والدین ساکن نمی‌شوند و خانواری جدا تشکیل می‌دهند؛ از طرفی در مقایسه با نسل‌های قدیمی‌تر، فرزندآوری نیز در سال‌های ابتدایی خیلی کمتر اتفاق می‌افتد. لذا از سهم خانوارهای با تعداد افراد زیاد در سنین پایین کاسته می‌شود. همچنین میزان‌های باروری نیز دیگر همانند گذشته بالا نیست و نگرش مثبت به داشتن خانواده‌های بزرگ رو به کاهش گذاشته است که همه آنها سبب می‌شود تا بالاترین میانگین بُعد خانواری که نسل‌های مختلف به آن می‌رسند، کاهش یابد.

در واقع کوهورت‌های جوان‌تر تمایل بیشتری به داشتن خانوارهای کوچک‌تر دارند و بررسی روندها و تفاوت‌های نسلی ساختارهای خانوار این موضوع را به روشنی نشان داد. یکی از مهمترین تغییرات رخ داده را می‌توان در کاهش خانوارهای سه‌نسلی بررسی کرد. این امر سبب شده است تا توجهات به مسائلی همچون فشار بر روی نسل‌های میانی مطرح شود. اینکه در یک خانوار سه نسلی، فرد سرپرست که

معمولاً به نسل میانی تعلق دارد، بایستی منابع را بین دو نسل مسن‌تر (والدین) و جوان‌تر (فرزندان) تقسیم کند. با این حال، خانوارهای سه نسلی دارای مزیت‌های مهمی هستند. از جمله اینکه زندگی با پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، می‌تواند انتقال فرهنگ و آداب و رسوم به نسل‌های جوان‌تر را تسهیل سازد و یا اینکه آنها می‌توانند از نوه‌های خردسال خود که والدین‌شان شاغل هستند، مراقبت کرده و هزینه‌های مراقبت از کودک برای نسل میانی را کاهش دهند. از طرفی والدین سالمند نیز از مراقبت فرزندانشان برخوردار خواهند بود که خود می‌تواند بار روی نظام‌های بازنشستگی و تامین اجتماعی را برای دولت‌ها کاهش دهد. خانوارهای سه نسلی در چهار دهه گذشته با کاهش شدیدی مواجه شده‌اند. این در حالی است که در بسیاری از کشورها برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران سعی دارند تا تعداد این خانوارها را افزایش دهند. برای مثال کوهن و پاسیل (۲۰۱۸) نشان داد که در چهار دهه گذشته تعداد خانوارهای سه نسلی در ایالات متحده آمریکا با افزایشی ۸ درصدی روبرو بوده است و اکنون یک پنجم جمعیت این کشور در چنین خانوارهایی زندگی می‌کنند.

از دیگر مصادیق تغییرات الگوهای سکونت و ساختارهای خانوار، تعداد خانوارهای تک‌نفره در بین نسل‌های جوان است، به طوری که سهم این خانوارها در سنین پایین در سه کوهورت ۱۳۶۰، ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ رقمی بسیار بالایی است. این نکته از آن نظر حائز اهمیت است که بررسی‌های دوره‌ای سهم خانوارهای تک‌نفره در سنین پایین را بسیار کمتر نشان می‌دهد (رقمی کمتر از ۵ درصد). روندهای نسلی همچنین نشان داد که خانوارهای گسترده در تمامی کوهورت‌ها رو به کاهش گذاشته است و افراد صرف‌نظر از اینکه متعلق به چه کوهورت‌هایی هستند، دیگر از خانوارهای گسترده استقبال نمی‌کنند.

نکته مهم اینکه خانوارهای هسته‌ای در کوهورت‌های جوان‌تر اندکی بیش از کوهورت‌های مسن‌تر بوده است. دلایل این افزایش را می‌توان موضوعاتی همچون ادامه تحصیلات فرزندان در مقاطع بالاتر، تأخیر در ازدواج و در نتیجه باقی ماندن آنان تا زمان طولانی‌تر در خانه والدین در مقایسه با گذشته در نظر گرفت. با این حال پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که سهم این خانوارها در آینده کاهش خواهد یافت (بگی و عباسی شوازی ۲۰۲۱). این امر در اثر چند عامل رخ خواهد

داد. نخست اینکه به علت کاهش میزان‌های باروری در دهه‌های گذشته، تعداد فرزندان حاضر در این خانوارها در طول سه دهه اخیر کاهش چشمگیری داشته است و بیشتر آنان یک تا دو فرزند دارند. ازدواج این فرزندان در سال‌های آینده و اینکه دیگر همانند گذشته فرزندان بعد از ازدواج در خانه والدین ساکن نمی‌شوند. با خارج شدن این فرزندان انتظار می‌رود از تعداد این خانوارها کاسته شود. از طرف دیگر انتظار می‌رود، روند افزایشی میزان‌های طلاق و امیدزندگی همچنان ادامه پیدا کند. بر این اساس سهم تعداد خانوارهای تک‌والد چه بر اثر فوت همسر و چه بر اثر طلاق افزایش خواهند یافت. این موضوع نیز سبب کاسته شدن سهم تعداد خانوارهای هسته‌ای از کل خانوارها در آینده خواهد شد. همه اینها در شرایطی است که حتی این فرض که در آینده احتمال اینکه جوانان بیشتری قبل از ازدواج از خانه والدین خارج-شوند، هیچ‌گونه افزایشی نداشته باشد. به طور کلی، همچنان که مشاهده کردیم بخشی از تغییرات در ترتیبات زندگی و احتمال شکل‌گیری انواع خانوارها تحت تأثیر ویژگی‌های کوهورت‌ها قرار دارد. هرچند کوچکتر شدن خانوار در مقایسه با گذشته در میان همه نسل‌ها مشاهده می‌شود، اما در میان کوهورت‌های جوان‌تر می‌تواند تحت تأثیر تغییرات ارزشی و نگرشی (تمایل به داشتن خانوارهای کوچکتر) و در میان کوهورت‌های مسن‌تر به دلایل جمعیت‌شناختی (بالا رفتن امید زندگی و تغییرات ساختار سنی) باشد. ارزش‌های خانواده بزرگ و گسترده در میان جوانان امروزی از مقبولیت گذشته برخوردار نیست و این موضوع در رفتارهای باروری و شیوه‌های سکونت آنها مشاهده می‌شود، لذا نسل‌های جوان داشتن خانوارهای کوچکتر را ترجیح می‌دهند. بر این اساس، نظریات رایدر (۱۹۶۵) و لوتز (۲۰۱۳) در رابطه با تأثیرات جایگزینی کوهورت‌ها بر تغییرات اجتماعی در سطح خانوار در ایران مورد تأیید قرار می‌گیرد. به این صورت که متابولیسیم جمعیتی، همانگونه که ساختار خانواده را دچار تغییرات کرده است، با ادامه این روند و جایگزینی کوهورت‌ها و تغییرات نسلی در آینده، ساختار خانوار جامعه ایرانی را با تغییرات بیشتری همراه خواهد کرد. این امر رخ خواهد داد، زیرا کوهورت‌های مسن‌تر که الگوهای خانوار و خانواده سنتی دارند، توسط کوهورت‌های جوان‌تر که دارای الگوهای خانوادگی امروزی هستند، جایگزین خواهند شد.

**منابع:**

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۹). بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی: با تأکید بر مقایسه مراسم، آداب و کارکردهای حمایتی. نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۶، شماره ۱۶: ۳۰-۳۰.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). فرآیند تغییر نسلی، بررسی فراتحلیلی در ایران، دوفصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۱: ۶۸-۴۱.
- آزاد ارمکی، تقی و ملکی، امیر (۱۳۸۶). تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان. نامه علوم اجتماعی. شماره ۳۰: ۹۷-۱۲۱.
- آقایی هیر، توکل (۱۳۸۹). جمعیت و تغذیه: بررسی روند تحولات جمعیتی خانوار و تأثیر آن بر مصرف غذا در ایران طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۶۳، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- اوجاقلو، سجاد، مرادی، عباس، قاسمی، ابراهیم و ارشادی، جمال (۱۳۹۳). تغییرات نسلی ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری زنان پیش و پس از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: شهر زنجان)، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۶، شماره ۶: ۴۲۵-۴۰۹.
- بگی، میلاد (۱۳۹۷). پویایی خانوار در ایران: عوامل تعیین‌کننده تغییرات در ترتیبات زندگی افراد، ساختار و بُعد خانوار در سه دهه اخیر، رساله دکتری، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). شکاف یا گسست نسلی در ایران امروز: تحلیل‌ها، تخمین‌ها و تدبیرها. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات استراتژیک.
- توکل، محمد، نژاد و قاضی، مریم (۱۳۸۵). شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو، نامه علوم اجتماعی، دوره ۲۷، شماره ۲۷: ۹۵-۱۲۴.
- دانش، پروانه، ذاکری نصرآبادی، زهرا و سادات عبداللهی، عظیمه (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران. جامعه‌پژوهی فرهنگی، دوره ۵، شماره ۳: ۱-۳۰.
- زواره، انسپه، شکرپیگی، عالیپه و آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۶). مطالعه جامعه‌شناختی

- تغییرات گفتمانی نسل‌های سه‌گانه خانواده ایرانی، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۱۱، شماره ۱: ۶۹-۹۱.
- ساروخانی، باقر و صداقتی فرد، مجتبی (۱۳۸۸). شکاف نسلی در خانواده ایرانی، دیدگاه‌ها و بینش‌ها. پژوهش نامه علوم اجتماعی. دوره ۳، شماره ۴: ۷-۳۱.
- شیرینی، محمد (۱۳۹۴). مطالعه تأثیر ساختار جمعیتی و تحولات جمعیتی-اجتماعی خانوار بر تغییرات الگوی مصرف در ایران طی دوره زمانی ۹۲-۱۳۶۳، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- صادقی، رسول (۱۳۹۵). الزامات تحقق منافع جمعیت‌شناختی گذار ساختار سنی در ایران، مقاله ارائه شده در سمینار تحولات و سیاست‌های جمعیت در ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، اردیبهشت ۱۳۹۵.
- صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۹۳). تفاوت بین نسلی در خانواده، مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران، دوره ۱۱، شماره ۳: ۷۸-۹۰.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال و صادقی، رسول (۱۳۹۲). بررسی وضعیتی جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی جوانان در ایران، گزارش تهیه‌شده برای صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در ایران.
- عسکری ندوشن، عباس، عباسی شوازی، محمدجلال، صادقی، رسول (۱۳۸۸). مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد). فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۱، شماره ۴۴: ۷-۳۶.
- علیپور، محمدصادق، میرمحمد، مهرنوش، حکیمی‌پور، نادر و غلامی، محمد (۱۳۹۷). ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی جوانان براساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، پژوهشکده آمار، گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی.
- قدرتی، حسین، افراسیابی، حسین، محمدپور، احمد و یاراحمدی، علی (۱۳۹۲). جهت‌گیری‌های عاطفی افراد دو نسل نسبت به والدین و تعیین‌کننده‌های آن در شهر سبزوار. جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۴، شماره ۳: ۹۷-۱۱۴.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۷) سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵-۱۳۶۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۷) طرح هزینه و درآمد خانوار ۱۳۹۵-۱۳۶۳.

- معیدفر، سعید (۱۳۸۳). شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران). نامه علوم اجتماعی، دوره ۲۴، شماره ۲۴: ۷۹-۵۵.
- یزدانی، عباسعلی و دوستی، سیمین (۱۳۹۴). اشکال نوپدید خانواده در ایران و چالش‌های آن. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، دوره ۲، شماره ۶: ۱۰۱-۷۵.
- Abbasi-Shavazi, M. J., Philip Morgan, S., Hossein-Chavoshi, M., & McDonald, P. (2009). "Family change and continuity in Iran: Birth control use before first pregnancy". *Journal of Marriage and Family*, 71(5), 1309 - 1324.
- Bagi, M. & Abbasi-Shavazi, M. J. (2021). Projections of Family Households and Living Arrangements and Applications in Iran; Chapter 35; in: Yi Zeng at al. (2021) *The Innovative Multistate Methods for Household and Living Arrangement Projections and Applications*, Science Press, Beijing, forthcoming.
- Cohn, D., & Passel, J. S. (2018). A record 64 million Americans live in multigenerational households, accessed at: <https://www.pewresearch.org/fact-tank/201805/04//a-record-64-million-americans-live-in-multigenerational-households/>.
- Keyfitz, N. (1971). "On the momentum of population growth". *Demography*, 8, 71-80.
- Lesthaeghe R, Surkyn J (2002). "New forms of household formation in Central and Eastern Europe: Are they related to newly emerging value orientations?". *Economic Survey of Europe* (UN Economic Commission for Europe, Geneva), pp 197-216.
- Lutz, W. (2013). "Demographic metabolism: A predictive theory of socioeconomic change". *Population and Development Review*, 38, 283-301.
- Lutz, W., Goujon, A., Kc, S., Stonawski, M. and Stilianakis, N. (2018). *Demographic and Human Capital Scenarios for the 21st Century: 2018 assessment*

for 201 countries, EUR 29113 EN, Publications Office of the European Union, Luxembourg, 2018, ISBN 9780-78024-79-92- (online),9783-78023-79-92- (print), doi:10.2760835878/ (online),10.276041776/ (print), JRC111148.

-Mannheim, K. (1970). "The problem of generations". *Psychoanalytic review*, 57(3), 378 - 404.

-Ryder, N. B. (1965). "The Cohort as a Concept in the Study of Social Change". *American Sociological Review*, 30: 843–861

-Santi, L. L. (1987). "Change in the structure and size of American households: 1970 to 1985". *Journal of Marriage and the Family*, 833 - 837.

-United Nations (2020). Probabilistic population projections, Department of Economic and Social Affairs Population Dynamics, accessed at: <https://population.un.org/wpp/Download/Probabilistic/Population/>

-Zeng, Y., Land, K. C., Wang, Z., & Gu, D. (2006). "US family household momentum and dynamics: an extension and application of the ProFamy method". *Population Research and Policy Review*, 25(1), 1.